

یدالله طاهرزاد، عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی درگفت و گو با فرهیختگان، از کاندیدای احتمالی اصلاح طلبان در انتخابات ۱۴۰۰ می‌گوید

تکرار تجربه انتخابات ۹۲ اجتناب‌ناپذیر است

مناسبات داخلی و نارضایتی‌ها از تاثیرگذاری بالای افراد در تصمیمات‌شورا؟

بیشتر رعایت قانون مدنظر است.

یکی از چالش‌های موجود در این باره که همواره انتقاداتی را به‌دنبال داشته، هم وزن نبودن احزاب حاضر در شورای عالی است.موضوعی کهباعثمی‌شودهمه‌گرایش‌های اصلاح‌طلبی وزن برابری در تصمیم‌گیری‌ها نداشته باشند و عمدتاً کفه تصمیمات‌به‌دلیل‌بهره‌مندی‌ازحقوق‌رای‌بیشتر(به‌واسطه‌احزاب اقماری) به‌سمت یک‌گرایش خاص‌بچرید. به‌عنوان نمونه در این ارتباط نمی‌توان وزن حزبی چون کارگزاران سازندگی را که تشکیلات کشوری دارد با احزاب موسوم به «احزاب تک‌نفره» یکسان دانست و حق‌رای برابر برای آنها در نظر گرفت. برای این موضوع هم فکری شده است؟

این هم یکی از موارد اختلافی بود که در سنوات گذشته به کرات مطرح شده‌و همچنان نیز مطرح است. در بحث پارلمان اصلاحات‌ما محکم ایستادیم و تاکید کردیم که باید متناسب با وزن احزاب در پارلمان برای آنها جایگاه تعریف شود. شاید یکی از دلایلی که بحث پارلمان هم معلق ماند همین نکته اختلافی بود. امیدواریم در این مرحله که بحث بازنگری شورای عالی مطرح است بتوانیم این مساله را هم حل کنیم‌یعنی بعداز بحث حضور اشخاص در ترکیب ائتلاف یک‌یک منع قانونی جدی فرآوری خود داشت، موضوع وزن احزاب هم مساله‌ای جدی است که باید حل شود.

این موضوع قابل حل است؟

بله، حل‌شدنی است.

این ایده‌های که بیان می‌کنید قرار است در شورای عالی عملیاتی شود یا اجرای آن به تحقق پارلمان اصلاحات منوط می‌شود؟ اگر قرار است فقط احزاب در شورای عالی حضور داشته باشند، پس تفاوت با پارلمان اصلاحات چه خواهد بود؟

منظور شما شورای هماهنگی جبهه اصلاحات است!

در حال حاضر یک شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح طلبان وجود دارد که هم افراد و هم احزاب در تصمیم‌گیری‌های آن نقش دارند. یک ایده پارلمان اصلاحات هم مطرح است که شما گفتید باید مبنتهی بر احزاب باشد و جایگاه هر حزب متناسب با وزن آن در نظر گرفته شود.

پارلمان اصلاحات هنوز درست نشده‌و در مرحله بحث و بررسی است و هنوز چیزی درباره آن نهایی نشده‌است. چیزی که رسماً وجود دارد شورای هماهنگی جبهه اصلاحات و شورای عالی است. از این نظر فرمایش شما درست است که اگر ترکیب شورای عالی را بر ائتلاف احزاب بگذاریم چه تفاوتی بین شورای عالی و شورای هماهنگی جبهه اصلاحات وجود دارد. به‌نظرم هیچ تفاوتی وجود ندارد!

یعنی معتقدید شورای عالی باید منحل شود؟

باید به جمع‌بندی برسیم که این دورا ادغام کنیم و یک تشکل واحد ایجادشودیا همان پارلمان اصلاحات را جایگزین هردوی اینها کنیم.در این خصوص بحث‌ها کم‌اکنون ادامه دارد و هنوز جمع‌بندی مشخصی صورت نگرفته‌است.

ناظر به تغییراتی که در این باره مطالبه می‌شود سه نوع نگاه مطرح است؛ یک‌نگاه این است که اشکالات شمساجزنی است و با اصلاحات جزئی مشکلات آن حل می‌شود. نگاه دیگر این است که اشکالات موجود در شورای عالی اساسی و بنیادین هستند و باید به‌شکل بنیادین، تغییراتی را در ساختار آن اعمال کرد. نگاه سوم هم عمر شورای عالی را پایان یافته می‌داند و نسخه‌احلال شمساو جایگزینی آن با ساختاری جدید را تجویز می‌کند. شما کدام‌یک از این سه رویکرد را برای وضعیت فعلی مناسب‌تر می‌دانید؟

شورای عالی که هیچ‌گاه فعالیت مستمر نداشته است. فعالیت شورای عالی موضوعی ویا محوریت انتخابات دور زمان آن بوده‌است.اما شورای هماهنگی جنس متفاوتی دارد و یک کار دائمی و مستمر است و در استان‌ها هم تشکیلات متناظر دارد که این تشکیلات در طول سال نیز فعالیت می‌کنند. بنابراین فرق شورای هماهنگی و شورای عالی در این است که موضوع تشکیل شورای عالی انتخابات موضوع تشکیل شورای هماهنگی استمرار فعالیت جبهه اصلاحات است.

شورای عالی تنها در مقطع انتخابات فعالیت نمی‌کند و این موضوع از سوی بسیاری از فعالان اصلاح طلب هم مطرح بود. مثلاً همین دوره فعلی شورای عالی، بیش از یک سال قبل آغاز به کار کرد.

به‌هرحال برای انتخابات کار می‌کنند و دستور کار مشخص آنها انتخابات است.

ارزیابی شما از انتقاداتی که به ریاست شورای عالی مطرح می‌شود، چیست؟ بسیاری از اصلاح طلبان این موضوع را باید نبوده‌و به اندازه کافی انسجام‌بخشی نداشته‌و تشکیلات را به نحو مناسبی رهبری نکرده است. شما این نگاه را چقدر قرین واقعیت می‌دانید؟

مدیریت یک مجموعه ائتلافی متفاوت از تشکیلات حزبی است. شما بحث رهبری را در تشکیلات حزبی می‌توانید به کار ببرید، اما در یک جبهه ائتلافی نمی‌توانیم از تعبیر رهبری استفاده کنیم، چون آنجاسه صاحب رای و نظرد و در واقع رئیس شورا باید تلفیق نظرات احزاب را هدایت کند. بنابراین اگر بخواهیم همه‌یا بخش عمده‌ای از نا کارآمدی شورای عالی را به گردن رئیس این تشکیلات بگذاریم بی‌انصافی است

راهبرد

و ارزیابی دقیقی به ما نمی‌دهد و ما را دچار اشتباه می‌کند. عوامل متعددی در این انتقاداتی که در مورد عملکرد شورای عالی وجود دارد، دخیلند که نقش ریاست شورا نیز یکی از آنها است و الا خود عارف شخصیت فرهیخته، وارسته، اخلاقی و متدینی هستند. اداره کردن چنین جمعی اصولاً کار سخت و پیچیده‌ای است و ایشان هم در حد توان خود از سال ۹۲ تا الان تلاش را کرده و این تشکیلات را مدیریت می‌کند. نباید در پایان کار با تلخی یا این موضوع برخورد کنیم، به‌نظرم باید تشکر کنیم.

مشخصاً در کارکرد انسجام‌بخشی تلاش‌های عارف را چقدر موفق می‌دانید؟

از سال ۹۲ تا سال ۹۸ غیر از انتخابات سال ۹۸ شورای عالی در بقیه انتخابات‌ها خوش درخشید و عملکرد مثبتی داشت. در سال ۹۸ شاید یکی از دلایل عمده‌ای که باعث شد شورای عالی نتواند به تصمیم‌و احدیرسد، این بود که درصالحیت گسترده‌ای صورت گرفت و عملاً سازمان پیش‌بینی شده شورای عالی را از هم پاشید. جمع کردن سازمان از هم پاشیده کار سختی بود و نمی‌توان مسئولیت را تماماً به گردن رئیس تشکیلات بیندازیم. شرایطی ایجاد شد که کار را برای عارف سخت‌تر کرد.

بعضا این نگاه مطرح می‌شود که عملکرد عارف در مجلس، تا حدی بر عملکرد او در شورای عالی سایه انداخته و شاید بتوان گفت بخشی از نارضایتی از وی، ناظر به عملکرد او در فراکسیون امید باشد. این نگاه چقدر درست است؟

شاید این منصفانه‌تر باشد، یعنی درباره فراکسیون امید انتظارات خیلی بیشتری داشتیم و آن چیزی که اتفاق افتاد در اندازه و قواره انتظارات جامعه اصلاح‌طلبی کشور نبود. آنجایی‌شود دقیقاً مسئولیت عدم تحقق مطالبات و انتظارات را از ناحیه رئیس فراکسیون دانست، چون نقش او خیلی برجسته است.

در اینکه مدیریت کردن چنین فضایی کار آسانی نیست تردیدی وجود ندارد، ولی بحثی که از سوی برخی چهره‌های مطرح کارگزاران مانند کرباسچی و قوچانی مطرح می‌شود بیشتر ناظر به بی‌عملی عارف است تا عملکرد نامطلوب وی و آنها بیش از هر چیز رئیس شمسعرا به بی‌عملی و سکوت متهم می‌کنند. من نظر خود را بیان کردم و درباره نظر دیگران قضاوتی ندارم.

درواقع شمای عملی عارف را قبول ندارید و معتقدید عملکردی وجود داشته، ولی اینکه این عملکرد تا چه حد موفق یا ناموفق بوده قابل بحث است و باید عوامل مختلفی را در این باره نقش آفرین دانست.

من سال‌ها در شورای عالی سیاست‌گذاری عضو بودم و بی‌عملی از عارف ندیدم. بی‌عملی با عملکرد ضعیف متفاوت است. چطور می‌توانیم تشکیلاتی را که توانسته‌سه انتخابات ا موفق اداره کند و نتایج مطلوب بگیرد، متهم به بی‌عملی کنیم؟ این را نمی‌توانم بپذیرم.

به نظر شما در شرایط فعلی در چارچوب اصلاحات ساختاری، تا چه حد زمینه برای تغییر عارف فراهم است؟ سوال بنده از این حیث است که بسیاری از فعالان سیاسی اصلاح طلب از لزوم گردشی و انتخابی بودن ارکان شورای عالی سخن می‌گویند.

عارف در شورای عالی همیشه برای انتخاب شده‌و رئیس شمساع هیچ وقت انتصابی نبوده‌است. در واقع همیشه برای هیات‌رئیس‌ه‌رای‌گیری صورت گرفته و ایشان رای آورده‌اند. البته هیچ‌کس مقابل ایشان کاندیدا نشد و همواره احترام ایشان را حفظ کردند و خود به‌تنهایی کاندیدا نبودند.

الان زمینه‌ای برای تغییر ایشان وجود دارد؟

به‌هرحال آن هم یکی از احتمالات است و هیچ چیزی مادام‌العمر نیست. هر سال برای ریاست مجلس هم انتخابات برگزار می‌شود، لذا رئیس شمساع هم ممکن است تغییر کند.

راهبرد مناسب اصلاح طلبان برای انتخابات ۱۴۰۰ را چه می‌دانید؟

راهبرد اصلاح طلبان برای ۱۴۰۰ هنوز تصویب نشده‌است و نمی‌توانم درباره آن اظهار نظر کنم.

« گفت‌وگو در یک نگاه
<ul style="list-style-type: none">اگر شمسعا در انتخابات اسفند ۹۸ عملکرد بهتری داشت نتیجه به گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد باید نقش احزاب در شمسعا پررنگ‌تر شود یکی از دلایل معلق ماندن بحث پارلمان اصلاحات، همسان نبودن وزن احزاب بود باید شورای عالی سیاست‌گذاری و شورای هماهنگی جبهه اصلاحات ادغام شوند انداختن نا کارآمدی شورای عالی به گردن عارف بی‌انصافی است عملکرد فراکسیون امید در حد و اندازه انتظارات بدنه اجتماعی اصلاح‌طلبان نبود مسئولیت عدم تحقق مطالبات و انتظارات توسط فراکسیون امید با عارف است اتهام بی‌عملی به عارف در شورای عالی سیاست‌گذاری را نمی‌پذیرم عارف همواره با رای گیری رئیس شورای عالی سیاست‌گذاری شده و انصافی در کار نبوده است ممکن است کاندیدای ما در ۱۴۰۰ لزوماً منطبق بر گرایش سیاسی ما نباشد درباره صحبت‌های کرباسچی بی‌انصافی شد و برخی نیت‌خوانی کردند تکرار تخر به انتخابات ۹۲ اجتناب‌ناپذیر است دولت روحانی دولت مورد حمایت اصلاح طلبان بوده و عملکرد او به پای اصلاح طلبان نوشته خواهد شد جهانگیری بابت وضع موجود مسئولیتی ندارد در صورت حضور هم‌زمان جهانگیری و لاریجانی در انتخابات، ۱۴۰۰ از جهانگیری حمایت می‌کنیم

۱۳



اصلاح طلبان در انتخابات ۹۸ رفتند.

خیلی زود است که در این باره جمع‌بندی کنیم. باید جلوتر برویم و فضا شفاف‌تر شود و گردوغبار انتخابات ۹۸ فرو بنشیند. آن زمان راحت‌تر می‌توانیم در این مورد صحبت کنیم.

هم‌اکنون نارضایتی‌های زیادی از عملکرد دولت در سطح جامعه به وجود آمده که به جرات می‌توان گفت تأثیر قابل توجهی نیز بر سطح مشارکت در انتخابات اسفند ۹۸ داشت. اصلاح طلبان به‌عنوان حامیان اصلی روحانی چطور می‌توانند در یک سال آینده فضا را به نحوی مدیریت کنند که رای منفی ناشی از نارضایتی از عملکرد دولت به سبب آنها واریز نشود؟

این موضوع قابل مرزگذاری نیست. واقعیت این است که دولت مستقر دولت مورد حمایت اصلاح طلبان بوده است و عملکرد آن به پای اصلاح طلبان نوشته خواهد شد. هر تلاشی برای جدا کردن مسئولیت اصلاح طلبان از عملکرد دولت بی اثر و بی‌ثمر است. باید صادقانه با مردم به‌گفت‌وگو نشست و حقایق را با آنها در میان گذاشت، هیچ چیزی بهتر از صداقت نیست. ما روحانی را حمایت کردیم. او در دولت اول موفق بود. به‌دلیل عملکرد او در دولت اول در انتخابات ۹۶ هم از او حمایت کردیم، اما در دوره دوم متأسفانه عملکرد وی مطلوب نبود، لذا نمی‌توان گفت آنکه خوب بود کار ما بود و اینکه بد شد کار ما نبود.

درواقع معتقدید اصلاح طلبان باید مسئولیت وضع موجود را بپذیرند.

صدا درصد باید مسئولیت پذیرفت. در تیرماه سال گذشته نیز همین بحث را مطرح کردم و گفتم آن کسانی که تلاش می‌کنند عملکرد دولت را از خود جدا کنند تلاش بی‌حاصلی می‌کنند، چون جامعه قضاوت خود را خواهد داشت.

فرض کنیم در چنین شرایطی جهانگیری کاندیدا شوند. در این صورت او کاندیدای حداکثری با عملکردی مشخص و دارای شناسنامه کاملاً اصلاح‌طلبی خواهد بود. پذیرش مسئولیت وضع موجود در انتخابات برای وی تبعات نخواهد داشت؟ به‌هرحال جهانگیری اگر مسئولیت هم نپذیرد، خواه‌ناخواه جامعه او را به‌عنوان نماینده بخشی از وضع موجود تلقی خواهد کرد.

جهانگیری خودبیان کرده که در دولت دوم اختیار عوض کردن منشی خود را هم نداشته است. بنابراین او نمی‌تواند مسئولیت کاری را که اختیاری در آن نداشته، بپذیرد. اما اگر وی کاندیدا شود قطعاً قاطبه اصلاح طلبان از او حمایت می‌کنند.

همین طور است، ولی در نگاه جامعه ایشان بخشی از وضع موجود تلقی نمی‌شود؟

جهانگیری خیلی زود تکلیف خود را با جامعه روشن کرد. خیلی صریح گفت بداندیم به‌عنوان معاون اول حق ندارم منشی خود را عوض کنم. کسی که این میزان هم اختیار نداشته باشد بالطبع مردم از او انتظار معجزه ندارند. در دولت اول نقش او برجسته و کارآمدی اش ملموس بود و در دولت دوم که نقش او کاهش داده شد، کارآمدی اش پایین آمد.

شاید این سوال مطرح شود که جهانگیری چرا همان موقع که تکلیف خود را مشخص کرد از دولت بیرون نیامدند؟

او حتماً توضیحاتی درباره امر این دارد که چرا آن زمان از دولت بیرون نیامد. به‌هرحال در جایگاه او بیرون آمدن تابع ملاحظات متعددی است که همه آنها شخصی نیست.

وضعیت عارف برای انتخابات ریاست جمهوری چطور است؟

هنوز جایی مطرح‌نکرده‌است که می‌خواهد برای انتخابات ۱۴۰۰ بیاید.

به‌هرحال گمانه‌زنی‌هایی در این باره وجود دارد. اگر بخواهد وارد شود باید به تدریج زمه‌هاش شروع شود.

زمنه این موضوع کمابیش در فضای سیاسی وجود دارد. مضاف بر اینکه هیچ‌یک از کاندیداهای احتمالی حتی آنهاپی که از سال‌های قبل هم مشخص بود در ۱۴۰۰ می‌آیند تا به‌حال خودشان بیان نکرده‌اند که به‌طور حتم در انتخابات سال آینده حضور خواهند داشت.

عارف به‌صورت بالقوه یکی از کاندیداهای ۱۴۰۰ است.

با توجه به عملکردی که در بخش اول گفت‌وگو به آن اشاره شد، وضعیت او را چطور می‌بینید؟

عارف حتماً اگر تصمیم قاطع بگیرد که در ۱۴۰۰ حضور داشته باشد، برای تمامی این انتقادات توضیحات و توجیحات لازم را خواهد داشت.

عارف می‌تواند مورد حمایت کارگزاران هم باشد؟

اگر جهانگیری کاندیدا شود از او حمایت می‌کنیم.

اگر جهانگیری و لاریجانی باشند چطور؟

باز از جهانگیری حمایت می‌کنیم. وی عضو کارگزاران است.

^[1] یدالله طاهرزاد، عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی درگفت و گو با فرهیختگان، از کاندیدای احتمالی اصلاح طلبان در انتخابات ۱۴۰۰ می‌گوید